

شعر کودک (رده سنی الف و ب) و نیاز آن به فرانمایی احساسی

منصوره ملکی کوتمهر*

دکتر نرگس اسکویی**

دکتر حسین داداشی***

چکیده

احساس در دسترس ترین و کاربردی ترین عنصر برای برقراری ارتباط با جهان فکری و درونی کودک، در عرصه هنر و ادبیات و سایر فعالیت های مرتبط با شناخت و اثرگذاری بر ساحت های ذهنی-ادراکی کودک است. مفهوم سازی و تصویر و تعبیر احساس، پیش و بیش از تعقل و ایدیولوژی، تجربیات فراگیر از جهان زیسته کودک و روحیات روانی خاص کودکی را برای او تداعی می کند. از این جهت کار با سازه های احساس برانگیز در شعر کودک، جزو اصول و مبانی پایه ای است. سوال اصلی تحقیق حاضر، بررسی اشکال، انواع، دلایل و ابزار طریقه فرانمایی احساس (که جهان را بیشتر از طریق عواطف و احساسات می نگرد و تاثرات شخصی از وقایع را تعبیر و تفسیر می کند) در شعر کودک بوده است. این تحقیق بر مبنای نظریه فرانمایی احساس و به روش توصیفی-تحلیلی انجام یافت و جامعه آماری تحقیق اشعار رحمان دوست، شعبان نژاد، شعبانی،

* دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران

** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران

n.oskooi@bonabiau.ac.ir (نویسنده مسئول)

*** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران

تاریخ پذیرش مقاله:

تاریخ دریافت مقاله:

*

تاریخ پذیرش مقاله:

تاریخ دریافت مقاله:

قاسم‌نیا و کشاورز بوده است. نتایج حاصل از تحقیق بدین قرار است: ویژگی‌های اصلی هنر فرامودی، نظیر تعریف، تفسیر و بزرگنمایی احساسات و هیجانی‌تر کردن تجربیات حسی، جزو ویژگی‌های اصلی شعر کودکانه (رده سنی الف و ب) است؛ انسانی بودن، عدول از واقع‌گرایی، تفرد، اعتراضی و انتقادی بودن، اضمحلال فرد در تیپ و سنخ - که از مبانی نظریه فرامایی است - در شعر کودک بسیار دیده می‌شود. هم‌چنین در شعر کودک از انواع فراموهای کلامی (نام‌آواها، شبه‌جملات، قیود تاکید و هیجان، افعال مبین حرکت و هیجان، تکرار) فرامود روانی (خواب و رویا، فراروی از واقعیت، فانتزی) و فرامود تصویری (اغراق، استعاره، اسطوره، اعداد و وابسته‌های عددی مبین کثرت) جهت فرامایی و گزاره‌سازی احساس استفاده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: هنر فرانمودی، شعر کودک، انسان‌باوری، هیجان، اغراق.

۱. مقدمه

مهم‌ترین مایه شعر، محصول شعور/حس و تجربه شاعرانه از هستی است. شعر از ساحت‌های تجربی و معنایی ویژه سخن می‌گوید و جهان شخصی و اعتقادی گوینده (فردیت) را در قالب زبان، کلیت عام می‌بخشد. جهان هر انسانی، جهان ارزشی-معنایی منحصربه‌فردی است و شعر ترجمانی از مفاهیم ذهنی و اندیشه‌های هر شخص است که در زبان، بازتاب یافته است. لازمه تجربه شاعرانه، حساسیت، دریافت و حضور در جهان است که سرانجام روابطی را در عالم و میان چیزها کشف می‌کند. شعر در عین حال بر ماهیت آن‌چه نقل می‌کند، اثر می‌گذارد. این امر، از جوهره انسانی و خصلت مسئله‌محور بودن شعر ناشی می‌گردد. کودکان نیز می‌توانند شریک احساسات، تجربه‌ها و دیدگاه‌های شاعران باشند. کودکان می‌توانند از رهگذار شعر، نیروی واژه‌ها را کشف کنند؛ همان نیرویی که شاعر توانایی آزاد کردن آن را دارد: «برانگیختن عشق به شعر در کودکان، با ایجاد توان لذت بردن از زندگی همگون است. بهره‌مند کردن کودک از عشق به شعر، روان کردن چشمه‌ای درونی از شادی و تازگی در وجود اوست» (نورتون، ۱۳۸۲: ۳۴۶). فرانمایی احساس در آغاز قرن ۲۰، جنبشی در هنر نقاشی بود که از آلمان آغاز شد. «این نظریه واکنشی علیه رئالیسم و هدفش نشان دادن واقعیت‌های روان‌شناختی درونی بود» (کادن، ۱۳۸۱: ۳۵۵). فرانمایی احساس، یکی از مبادی مهم و اساسی ایجاد ارزش‌های زیباشناسانه در متون ادبی و هنری است. هنر فرانمودی، موقعیت خلق وضعیت را برای انسان فراهم می‌آورد. فرانمایی، یک روش هنری برای توصیف آثاری است که

در آن هنرمند به منظور بیان عواطف و یا حالات درونی، دست به کژنمایی وقایع حسی می‌زند تا ظرفیت اثرگذاری آن را بالا ببرد و در جلوه‌ای هیجانی‌تر فرابنماید: فرانمایان تمایلات واقع‌گرایان را نداشتند و نمی‌خواستند واقعیات بیرونی (Objective Realities) را به نمایش بگذارند؛ بلکه برحلاف آنان قصد داشتند تصویر ذهنی این واقعیات را از خلال ذهنیات یک شخصیت اصلی، عینیت بخشند. زیرا حقیقت را امری درونی و ذهنی Subjective می‌دانستند (ناظرزاده کرمانی، ۱۳۸۹: ۱۸-۱۹). فرانمایی احساس با نمود Present و رودرروی اصوات، رنگ‌ها، ضرباهنگ‌ها و حرکت‌ها، گونه‌ای فرایند نمودگرایی Presentational Ism محسوب می‌شود و با واقع‌گرایی که به بازنمود Represent این امور می‌پردازد، تفاوت کلی دارد. مفهوم‌سازی جهان درونی انسان و برون‌ریزی ادراکات و احساسات متنوع و گسترده با وام‌گیری از تجربیات جهان عینی، از اولویت‌های اصلی شعر کودک نیز هست. از این‌روی، حسی و تجربی بودن تصاویر و مضامین که برای عینیت‌بخشی به ذهنیت فرارونده و ادراکات و انتزاعات نامحدود کودک فراخوانده شده‌اند، در کنار فرانمایی احساسی، از ویژگی‌های مهم و اساسی این شعر است. ارتباط کودک با شعر و سهیم شدن در تجربیات و حسیات آن، رابطه او را با خود و جهان، عمیق‌تر و عاطفی‌تر و دلچسب‌تر می‌سازد و تناسب و زیبایی که در شعر است، لذت درک جهان و شناخت زیبایی‌شناسانه را توامان هدیه می‌کند: «از آن‌جایی که کودک، همه حواسش را برای درک هستی به‌کار می‌گیرد، هر چیزی برای اوسرشار از تازگی و هیجان است. این ویژگی، کلمات را نیز شامل می‌شود. کلمات برای او زنده و تپنده‌اند. پس شاعر باید همانند مخاطبانش، شکل و رنگ و طعم و بوی کلمات را بفهمد و بچشد و با دریافت حسی قوی در گزینش کلمات با توجه به محدود لغاتی که در دسترس است، بهترین‌ها را انتخاب کند» (محمدی‌رفیعی، ۱۳۸۵: ۱۷۵). موسیقی، عاطفه، صور خیال، فرم ذهنی، پشتوانه فرهنگی، اندیشه شعری، مجموعه عناصری است که هویت شعر را تشکیل می‌دهند و هر یک اهمیت خاص خود را دارند. اما وظیفه اصلی زبان در شعر کودک القای هیجان و عاطفه مجرد است، به همان صورتی که در موسیقی